

یادداشت

سازوبرگ ایدئولوژیک دولتی در مناطق آزاد

عبدالرسول خلیلی:فقدان جایگاه بخش خصوصی در مدیریت مناطق آزاد و ویژه اقتصادی، از حلقه‌های مفقوده سیاست‌گذاری‌های کشور از زمان تصویب قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری-صنعتی و قانون تشکیل و اداره مناطق ویژه اقتصادی در سال‌های ۱۳۷۲ و ۱۳۸۴ تاکنون است. مدیران دولت‌ها نیز هیچ‌وقت به این فکر نکرده‌اند که در مدیریت این مناطق، کرسی‌ای برای حضور بخش خصوصی قائل شوند؛ با وجود آنکه همیشه شعارشان جذب بخش خصوصی و مشارکت مردم بوده و شاید به این دلیل است که شعار جهش تولید با مشارکت مردم در مناطق آزاد به سرانجام دلخواه نرسیده است. همچنان‌که سوابق نشان می‌دهد، حضور اعضای اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران و تهران در مناطق بسیار ضعیف و ناکارآمد است. این رویکرد حلقه مفقوده‌ای ناشی از عدم حضور مدیریت بخش خصوصی در مناطق آزاد و ویژه بوده که باعث شده تا چنانچه انتظار می‌رود، بخش خصوصی علاقه‌ای برای سرمایه‌گذاری در بسته‌های اقتصادی مناطق آزاد و ویژه نشان ندهد. قرآن نیز نشان می‌دهد که قریب به ۳۰ درصد اقتصاد کشور در دست بخش خصوصی است. سهم این بخش از صادرات غیرنفتی، ۱۰ تا ۱۲ میلیارد دلار بوده است.

گفته شده پس از گذشت سه ماه از اجرای برجام، ۱۶ هیئت تجاری از کشورهای مختلف شامل ششت رئیس‌جمهوری، پنج نخست‌وزیر، ۱۴ وزیر خارجه، سه رئیس مجلس و حتی ۱۲ بانک و مؤسسه مالی و اعتباری جهانی برای گسترش روابط و سرمایه‌گذاری در ایران، برای امضای قرارداد و سرمایه‌گذاری در ایران و از جمله در برخی مناطق آزاد و ویژه حضور یافتند و در پی این رفت‌وآمدها برای استفاده از ۷۳ میلیارد دلار خطوط اعتباری مذاکره شده بود. اینها همه حاکی از جذابیت ایران برای سرمایه‌گذاری است که میزان مورد نیاز آن ۲۰۰ تا ۴۵۰ میلیارد دلار تخمین زده می‌شود. انعقاد سند راهبردی با چین یا روسیه نیز براساس همین نیاز کشور برای جذب سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها برنامه‌ریزی شده است. شایان توجه است که در سال‌های پس از پایان جنگ تحمیلی، در ۲۹ تیرماه ۱۳۶۷، با استفاده از مدیران دولتی، سعی بر مدیریت مناطق آزاد و ویژه برای جذب سرمایه بخش خصوصی شده؛ هرچند از مدیریت آنها در ساختار اداری مناطق بهره‌ای حاصل نشده است. چنان‌که برای دفاع از جایگاه زنان از نگاه مردانه استفاده شده، بدون آنکه از نقش آنان در مدیریت تغییر وضعیت‌شان استفاده شود. در مدیریت مناطق آزاد و ویژه از نگاه بخش خصوصی استفاده نشده است، اما سرمایه‌گذاری بخش خصوصی را دنبال کرده‌ایم. نقش مهمی که به‌طور قطع در رونق اقتصاد مناطق آزاد و ویژه دارند و ایفای این نقش لازمه ایجاد بازار رقابتی، ثبات اقتصادی و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های مورد نیاز در مناطق است. بخش خصوصی با ایجاد اشتغال و افزایش درآمد، توسعه زیرساخت‌ها و تکنولوژی، افزایش تجارت و صادرات و جذب سرمایه خارجی، نقش مهمی در بهبود مدیریت، برنامه‌ریزی، تقویت اقتصاد و توسعه پایدار کشور دارد. هم‌اکنون سهم اشتغال بنگاه‌های خرد و کوچک خصوصی، میانگین ۸۰ درصد است؛ هرچند سهم آنها از تسهیلات بانکی به زیر ۱۰ درصد می‌رسد که عمده تسهیلات داده‌شده بانکی متعلق به بنگاه‌های دولتی است. چیزی حدود ۴۰ درصد ظرفیت بنگاه‌های تولیدی خالی که اگر دولت مواد اولیه و تسهیلات مالی آن را فراهم کند، بخش خصوصی می‌تواند در آنها سرمایه‌گذاری کرده و نزدیک به دو میلیون اشتغال در کشور ایجاد کند. این روال در مناطق آزاد و ویژه نیز جاری و ساری است.

بنابراین، فقدان کرسی خصوصی در مدیریت سامان‌های مناطق آزاد و ویژه اقتصادی براساس شرایط تقنینی از سوی مجلس شورای اسلامی برای استفاده از مدیران بخش خصوصی در مدیریت مناطق آزاد از مسائل مهمی است که باید برای آن فکری کرد و رویکرد جدیدی متناسب با نیاز روز اتخاذ کرد. واقعیت آن است که مدیر دولتی دارای عدم کارایی در هدایت و مدیریت مناطق آزاد و ویژه است و منابع را درست هزینه نمی‌کند. هزینه‌های هنگفتی که برخی مدیران شورای‌عالی مناطق آزاد و ویژه از جمله در اواخر دولت دوازدهم برای تغییر دکوراسیون دفتر دبیر مصرف داشتند. گفته می‌شود بیش از چندین میلیارد تومان صرف هزینه‌هایی شد که در ارزیابی هزینه و فایده اقتصادی هیچ تأثیری در رشد و توسعه مناطق آزاد و ویژه اقتصادی نداشت. همچنان که استفاده از برخی معاونت‌ها برای سفارش و رزومه‌سازی آمدند و بی‌حاصل رفتند. از این‌رو، باید سازوبرگ ایدئولوژیک موجود مناطق آزاد در استفاده از مدیران دولتی ناتوان، ناکارآمد و غیرشایسته شکسته شود و فضا برای مدیران کارآمد بخش خصوصی در بالاترین سطح دریاخته شورای‌عالی مناطق و سازمان‌های مناطق آزاد و ویژه آماده شود. ساختارهای دولتی مناطق باید به‌درستی تغییر کنند و همان‌طورکه در ماده ۱۱۹ قانون برنامه هفتم بر ایجاد نهاد پیشران با ارتقای نحوه اداره و مدیریت مناطق آزاد تجاری-صنعتی و ویژه اقتصادی تأکید شده و در آن دولت مکلف شده است تا برنامه خود را ظرف یک سال ارائه دهد. در این‌باره لازم است مواد قانونی و اساسنامه مربوط به ساختار اداری و مدیریت مناطق برای حضور بخش خصوصی و مشارکت مردم مورد بازنگری اساسی قرار گیرند؛ یعنی باید نسبت به تعیین جایگاه بخش خصوصی در مدیریت مناطق اقدام کرد، مانند انتظاری که از آنان برای ایفای نقش در رشد اقتصادی کشور می‌رود. به این معنا که باید پذیرفت سیاست‌گذاری عقلانی بدون مشارکت مردم در مناطق آزاد و ویژه غیرعملیاتی است. دستیابی به چنین مشارکتی باید از طریق فرایندهای تصمیم‌گیری نهادینه شود. فرایند حضور بخش خصوصی در مدیریت ارشد مناطق باید بخشی جدایی‌ناپذیر از فضای حکمرانی اقتصادی مناطق آزاد و ویژه کشور باشد.

مهام سلیمان بیگی؛ پیش از ۵۰ کارگر در یک شب جان باختند. کارگرانی که به گفته رئیس کانون کار خراسان جنوبی برای ماهانه فقط ۱۲ میلیون تومان هر روز جانشان را کف دستشان می‌گرفتند و تا دل زمین می‌رفتند. مسئولان اجرایی هم مثل خیلی از موارد با عدم پاسخ‌گویی یا تناقض‌گویی هایشان لحظه به لحظه مردم را نگران‌ترمی‌کنند.

پیش از همه و پیش از انتشار گزارش بررسی کارشناسی معدن، احمد میدری، وزیر کار، اعلام کرد در این حادثه تخلفی انجام نشده و این رویداد واقعا یک حادثه بوده است و مستمری حادثه‌دیدگان انفجار معدنجوی طبس به‌سرعت و کامل پرداخت می‌شود. علیرزاده، رئیس کمیسیون صنایع مجلس، اما نظری متفاوت را دارد. به باور او حتی کف استانداردها در معدن رعایت نمی‌شد. او گفت: «متأسفانه حداقل‌های ایمنی در این معدن رعایت نشده بود و قبل از اینکه گاز به بلوک دیگر معدن نفوذ کند، متأسفانه کوچک‌ترین اطلاع‌رسانی نشده بود. در این معدن کف استانداردها هم رعایت نشده بود و به عنوان نماینده مردم اگر بخواهیم از این موضوع بگذریم در حق مردم و کارگران جفا کرده‌ایم. تجمع گاز به کرات اتفاق می‌افتد و موضوع خاصی هم نبود، اما اگر اطلاع‌رسانی می‌شد کارگرانی که در بلوک دیگر بودند می‌توانستند منطقه را ترک کنند.»

معادن ناایمن حتی اخطار نمی‌گیرند

باین‌حال روایت رئیس خانه معدن ایران با اینن اظهارات متفاوت است. محمدرضا بهرامن همان کسی است که در سال ۱۳۹۶ در مصاحبه‌ای گفته بود تجهیزات ایمنی معادن زغال نظیر دستگه‌های هشداردهنده گازهای خطرناک، سیستم‌های ضدجرعه، تهویه مطلوب و امکانات مربوط به نگهداری از سقف دیواره‌های معدن به‌شدت ناکارآمد هستند و هر لحظه بیم آن می‌رود که با انفجاری مهیب با ریزش سقف و دیواره‌ها، عده‌ای از کارکنان معدن در این انفجارها بسوزند و زیر دها تن سنگ و خاک مدفون شوند. او حالا آنچه در ماجرای معدن طبس گذشته را به این ترتیب برای «شرق» روایت می‌کند: «شما در مصاحبه سابق ۹۶ دیدید که ما اخطار دادیم. بعد از زمستان‌ها یورت هم باز اخطار دادیم. اما شرکتی که در معدن طبس بهره‌بردار بود یکی از مهندسی‌ترین شرکت‌های معدنی در زغال‌سنگ بود و ۳۰ سال فعالیت داشت اما در این مدت حتی یک مورد اخطار هم نگرفته بود. من می‌توانم بگویم در معدن زغال‌سنگ فقط سه تا پنج مورد اخطار نگرفته‌اند؛ چون معمولاً کم‌کاری می‌کنند و آموزش‌هایشان دقت لازم را ندارند یا تجهیزات کافی ندارند… و… ولی این مجموعه فرق داشت. تا جایی که اگر یک خارجی به کشور می‌آمد و می‌خواست از معدن زیرزمینی ما بازدید کند، من به عنوان رئیس خانه معدن او را می‌فرستادم این معدن. چون آبروی کشور ما بود. چون تمام محاسبات، طراحی‌ها و استانداردهای جهانی را داشت اما در تجهیزات امروز کشور. باین‌حال کار زغال سخت‌ترین کار معدنکاری در دنیااست؛ چون گاز مواجه هستیم. گاز متان در این معدن شرایط خاصی داشته و همه موارد بودند در معدن گاز از حد متعادل بالاتر نرود؛ چون می‌تواند با کرده زغال انفجار رقم بزند.»

بهرمان ادامه می‌دهد: «در این معدن منطقه‌ای بود که به علت اقتصادی‌نبودن تعطیلش کرده بودند. چون لایه زغال بسیار باریک شده بود، برداشت از آن لایه حدود ۳۰ تا ۳۰ سانتی متوقف شده بود. هیئتمدیره تصمیم می‌گیرد این بخش را تخریب کند و جابجا عملیات جست‌وجو را داشته باشد برای افزایش تولید. پس کارگران مشغول کار شدند و به شکل غیرقابل پیش‌بینی به یک منبع گاز در بالای سقف رسیدند. این گاز متمرکز موجب انفجار می‌شود. این انفجار در کارگاه‌های مجاور که فاصله بسیار زیادی با آنجا داشته رخ می‌دهد؛ در اثر سوخت سریع اگسیژن، کربن‌دی‌اکسید در آنجا افزایش سریع پیدا می‌کند و فکگی را در معادن آتسو رقم می‌زند که فاصله زیادی با بخش B داشته است. در واقع یک اتفاق بوده، این‌طور نبوده‌که هشداردهنده‌ها کار کنند. حتی هنوز تا همین لحظه دسترسی به بخش تخریب اولیه پیدا نشده است؛ یعنی حجم گاز تا این اندازه بالا بوده و یک‌بارک تخلیه شده است. ما شبیه این ماجرا را در معدن یورت با ترکیه هم داشتیم که گاز متان یک‌باره تمام تونل‌ها را گرفت. پس هیچ کم‌کاری نبوده و احتمالاً لایه نازک زغال یک‌باره ریزش داشته با متان ترکیب شده است.»

مقصود کلیشه‌ای به نام «تخریم»

در این میان برخی هم مثل همیشه تقصیر را گردن تخریم می‌اندازند و ماجرا را مختومه اعلام می‌کنند. این بار هم رئیس اتحادیه پیش‌کسوتان جامعه کارگری به انتخاب گفته که به واسطه تخریم‌ها

کارشناسان فنی و صنعتی در گفت‌وگو با «شرق» علل وقوع حادثه مرگبار در معدن طبس را بررسی می‌کنند

جان ارزان

توانستیم تکنولوژی‌های هشداردهنده را داشته باشیم تا ۱۰ دقیقه قبل از حادثه به کارگر معدن اخطار بدهد. البته پیش از این حادثه، بهرام شکوری، رئیس کمیسیون معادن و صنایع معدنی اتاق ایران، در مصاحبه با اینلا گفته بود: «طبیعتاً تخریم‌ها نقش قابل توجهی در عدم دسترسی ما به تکنولوژی‌ها دارد. به‌علاوه باتوجه به افزایش نرخ ارز و به تبع آن گرانی تجهیزات، خرید آن برای کارفرمایان صرف نمی‌کند.»

پوین‌های پاره گویاست

در میانه چنین اظهاراتی علی خدایی، نمایندگان کارگران در شورای‌عالی کار، نیز تحلیلش را از ماجرا را برای «شرق» روایت می‌کند. او صراحتاً می‌گوید: «طبق اطلاعاتی که تا امروز به ما رسیده و سوابقی که در این زمینه وجود دارد، قصور و تقصیر حتماً وجود دارد.» خدایی ادامه می‌دهد: «بگذارید معدن زمستان یورت را برایتان مثال بزنم که هم ابزار لازم برای اعلام هشدار وجود گاز در معدن وجود نداشت، و هم محیط و راه فرار کارگران به‌درستی طراحی و اجرا نشده بود. در این معدن و این حادثه هم تا آنجا که از منابع محلی و افرادمان در محل اطلاعات به دست آوردیم، باز هم این‌ماجرا تکرار شده است. کافی است به آن تصاویر دردناک خروج پیکرها از معدن دقت کنید؛ پوین‌های پاره، لباس‌های نامناسب و… این مسائل کاملاً برایمان مشهود است اما فعلاً پیش‌دآوری نمی‌کنیم که دقیقاً ماجرا چه بوده است.»

به گفته او در حوادث معدن به‌ویژه معدن زغال‌سنگ، تا امروز ما هم مشکل اعلام وجود گاز را داشته‌ایم، یعنی وجود گاز به‌درستی و با ابزار مناسب هشدار داده نشده بود، هم مشکل تهویه داشتیم؛ یعنی همان تهویه‌ای که لازم بوده گاز از داخل معدن خارج شود تا از انفجار جلوگیری شود. بنابراین با این پیش‌فرض که این یک روال در معدن کشور شده، احساس می‌شود در این معدن هم این اتفاق تکرار شده باشد. باین‌حال منظر نتایج بررسی کارشناسی می‌مانیم. خدایی می‌گوید: «در این میان انتظار بیشتری از آقایان و وزرا داریم؛ اینکه بلافاصله بعد از فوت و درحالی‌که جنازه‌ها هنوز روی زمین نیست به‌جای تلاش برای تسکین درد جامعه به دنبال این باشند که برنامه برای تشییع جسد یا تسکین درد بدهند، بیابگر عدم درک دقیق آنان است. اینکه تایک اتفاقی می‌افتد وزارتخانه‌ای اعلام می‌کند آقای وزیر در محل سانحه حضور یافتند، که براساس خاطرات خود من همينطور هم بوده، نتیجه‌ای نداشته و ندارد جز اینکه باید منظر حادثه بعدی باشیم. وزارت کار در حوزه معاونت روابط کارش و وزارت صنایع در حوزه‌های مربوط به این موضوع موظف هستند بازبندی‌های دوازده از معادن به عمل آورند و امنیت کارگران را تأمین کنند. اینکه به‌ناماین تـا عده‌ای کارگر بمیرند و بعد دولت بیاید اظهار کند که ما به فکر بازماندگانمان هستیم، به‌شدت دردناک است. من مطمئن‌م با توجه به سوابق قبلی در این ماجرا هم قصور وجود داشته و هم تقصیر، شهیده‌ها می‌هم را تأیید می‌کند که امکانات معدن کافی و استاندارد نبوده‌است.»

او در پاسخ به اینکه چقدر اظهارات برخی درباره نقش تخریم‌ها در این سانحه را درست ارزیابی می‌کنید نیز عنوان می‌کند: «ماجرای تخریم تا حدودی می‌تواند درباره این معادن صدق کند. از این بابت که برخی ابزارها مثل ابزار آلات هشدار در جهان نسخه به‌روز دارند و ممکن است به علت تخریم به دست ما نرسد. اما مشکل اصلی ما اینجاست که عده‌ای می‌روند و ایمنی آن معدن را در همین شرایط تأیید می‌کنند. اگر ما ارزیابی‌های مدریم حتی نباید ایمنی تأیید شود و ذکر شود که فلان ابزار را نداریم و این معدن ایمن نیست. اینکه شرایط کار را نایمن اعلام کنیم کمترین و حداقلی‌ترین کاری است که می‌توان کرد، نه اینکه یک عده به صورت سرخود نظر بدهند که چون فلان ابزار را نداریم پس بهتر است اعلامش هم نکنیم، بعد هم کارگر وارد شود و یک‌دفعه ۵۰ نفر کشته شوند؛ این دردآور است. من شنیدم در برخی سوانح قبلی گفته شده که فلان ابزار را باید از فلان کشور می‌گرفتم و به علت تخریم نتوانستیم، یا نمونه روسی را گرفتیم و کیفیت خوبی نداشته. تا اینجا منطقی است اما سؤال من از آن مسئول نظارتی است که می‌رود و اعلام می‌کند این معدن ایمن است! وقتی اعلام شود معدن ناایمن است وضعیت فرق می‌کند. شاید لازم‌بم کارفرما هزینه کند تا اخذات‌های بیشتری به کار رود که در صورت وقوع انفجار دستکم تبعات آن انفجار کم شود، اما با این تأیید همه‌چیز عادی فرض می‌شود.»

از نگاه او علت تمام این رخدادها ارزان بودن جان کارگر است. از همین رو تأکید می‌کند تبعات عدم تجهیز باید برای کارفرماها بالا برود تا آنها برای منافع زودگذر خودشان از خرید ابزار و تجهیز سرپیچی نکنند.

تجهیزات ایمنی تخریم‌نیست

در نهایت بد نیست تحلیل کیوان جعفری طهرانی، کارشناس ارشد بین‌المللی صنعت سنگ آهن و فولاد در در این‌باره بشنویم؛ فردی که اعتقاد دارد گذشته از ماجرای تأمین ایمنی لازم و لزوم نظارت، نقطه‌ای که در تمام اظهارات مغفول مانده، تأمین تجهیزات نجات بوده است. بنا به توضیحات او به «شرق» در کام اول قطعاً اگر همه‌چیز به‌درستی انجام شده بود -یعنی هم ایمنی لازم لحاظ می‌شد، هم بازدید و نظارت صحیحی از سمت وزارتخانه‌های مربوطه انجام شده بود، هم کارفرما و هم رفع اشکالات لازم را انجام می‌دادند- چنین اتفاق ناگواری آن‌هم در این حجم رخ نمی‌داد.

نکته‌ای که این کارشناس دست‌روی آن می‌گذارد، بحث تأمین‌نشدن تجهیزات نجات آن‌هم به بهانه تخریم است. او می‌گوید: «یک خودرو را فرض کنید. برای یک خودرو هرکاری هم کنید احتمالاً تصادف اتفاق می‌افتد؛ یعنی شما هرچقدر هم مراقب باشید ممکن است فرد دیگری به خودروی شما بزند و تصادف رخ دهد. برای همین هم از ایریک استفاده می‌کنند تا هرچه شد سرشنیشان نجات پیدا کند. برای معدن زغال‌سنگ هم چنین تکنولوژی توسط ترکیه طراحی شده؛ چراکه آنان دو حادثه مرگبار در معدن زغال‌سنگشان، یکی ۱۳ می ۲۰۱۴ در معدن سوموما و دومی ۱۴ اکتبر ۲۰۲۲ را شاهد بودند که طی ۱۰ سال گذشته بیشترین حجم کشته را داشته. در ترکیه حتی حوادثی رخ داد که بیش از هزار نفر در معدن زغال‌سنگ کشته شدند. اما نکته اینجا بود که همان حادثه‌ای که سال ۲۰۱۴،

۳۰۱ کشته داد، در سال ۲۰۲۲ فقط ۴۲ کشته برچای گذاشت و طراحی شده؛ چراکه آنان دو حادثه مرگبار در معدن خارج خود تا کاهشی طراحی و نصب کانتینرهای نجات است. این کانتینرها برای نجات کارگران معدن زغال‌سنگ طراحی شده و ابعادشان در حدود کانتینرهای ۲۰ فوتی حمل کالاست اما زوایای دوزخه‌های دارد که ریزش و انفجار را رد کند. در هر کانتینر شش نفر کارگر طی حادثه جا می‌گیرند و تا حدکثر دو هفته هم زنده می‌مانند؛ زیرا با تکنولوژی روز و تأمین برق از باتری‌تأمیهات لازم برای تأمین هوا، آب شرب و مواد غذایی کنسروی فراهم شده است. از همین رو، می‌تیمیم که امروز با اینکه ترکیه با ۴۰ میلیون تن تولید از بزرگترین تولیدکنندگان فولاد جهان است، شاهد حوادث این‌چنینی نیست. بنابراین علاوهبر موضوع ایمنی و بازرسی اولیه، می‌شد که این کانتینرهای نجات را هم تهیه کرد. فقط لازم بود شرکت‌های بازرسی و وزارتخانه‌های مربوطه دستورالعملی مدون ابلاغ کنند تا این کانتینرها طراحی و نصب شود. هرچند برخی معادن ممکن است به علل مختلف امکان استفاده نداشته باشند.»

او در پاسخ به این سؤال که آیا ممکن است به علت شرایط تحریمی ما امکان دسترسی به این تجهیزات نجات را دست داده باشیم، نیز عنوان می‌کند که این تجهیزات جزو تحریم نبوده است؛ چراکه هرچیزی که با جان انسان دست به گریبان باشد، می‌توان در شرایط تحریمی تأمینش کرد. او می‌افزاید: «ضمناً من از کشوری مثل ترکیه حرف می‌زنم‌که برای ما امکان خرید و واردات از آن به‌راحتی مهیاست. بحث خرید از اروپا و آمریکا که نبوده است. اینکه موضوع را به تحریم ربط بدهیم فرار رو به جلو و پاک‌کردن صورت‌مسئله است. قرار نیست هر کوتاهی و کم‌کاری که در کشور رخ می‌دهد را به تحریم مربوط کنیم. بله توپ، نانک، هواپیما و موشک تحریم شده، اما این موارد نه! به نظر من حتی اگر این تکنولوژی را کشورهای اروپایی با آمریکا ساخته بودند هم امکان اینکه بتوان آن را در تحریم وارد کرد، بود؛ چه رسد به ترکیه که مشکلی هم با ما ندارد.»

پس اگر مشکل تحریم هم نبوده چرا به قبول رئیس خانه معدن ایران، استاندارترین معدن زیرزمینی کشور ما چنین امکاناتی را نداشته‌است؟ این سؤالی بود که درنهایت برایش به بهرامن بازگشتمیم تا پاسخش را بگیریم. رئیس خانه معدن ایران در پاسخ به «شرق» انگشت اتهام را سمت سیاست‌گذار و نهادهای نظارتی گرفته و می‌گوید: «بیرسید در ترکیه چه کسی این امکانات و زیرساخت‌ها را ایجاد می‌کند؟ تأمین زیرساخت برعهده کیست؟ تبصره شش ماده ۱۴ قانون معدن می‌گوید ۱۵درصد از درآمدهای معدن باید صرف افزایش فعالیت‌های معدنی شده، اما کسی آن را لحاظ نداد و این تقصیر متوالی بخش معدن نیست. مقصبر سیاست‌گذاری است که در سازمان برنامه و بودجه نشسته و اجازه می‌دهد این ۱۵ درصد‌جا جای دیگری هزینه شود. این خیانت‌نفته‌ها به کارگران، بلکه به افرادی است که اطراف آن معادن زندگی می‌کنند. این پول هزینه نیست، سرمایه‌گذاری است و باید انجام شود برای توسعه معدن، اما این اتفاق نمی‌افتد.»

گزارش

هشدار درباره بازار برنج

انجمن تولیدکنندگان و تأمین‌کنندگان برنج ایران با ارسال نامه‌ای خطاب به محمدرضا عارف، معاون اول رئیس‌جمهور، درباره خالی‌شدن بازار از برنج وارداتی و جهش قیمت‌ها روابطعمومی سازمان تولیدکنندگان و تأمین‌کنندگان برنج ایران، در این نامه که با امضای محمد مختاریانی، رئیس انجمن تولیدکنندگان و تأمین‌کنندگان برنج ایران، برای محمدرضا عارف، معاون اول رئیس‌جمهور، ارسال شده است، ضمن تشریح شرایط حکم بر بازار کشور متأثر از توقف واردات برنج که به افزایش ۲۰ تا ۳۰درصدی قیمت جایگزین محصول وارداتی اشاره شده و این اتفاق را عکس‌العمل ابتدایی بازار به کمبود عرضه دانسته است.

امروز شاهد تکرار اتفاقات سال ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ هستیم که دلان منفعتم‌طلب آمار نادرست از وضعیت تولید و واردات ارائه و دولت به دلیل نداشتن تجربه به آن آمار استناد و نتیجه آن رشد ۳۰۰درصدی قیمت برنج بود. با این تفاوت که آن زمان انجمن تولیدکنندگان و تأمین‌کنندگان برنج ایران ایجاد نشده بود که به پشتوانه اعضای خود که در رسته‌های مختلف صنعت برنج فعال هستند، اطلاعات و آمار مستند در اختیار دولت قرار دهد و سودجویان با پنهان‌شدن پشت ادعای حمایت از تولید داخل، آمار استناد و نتیجه آن رشد ۳۰۰درصدی قیمت خود را تأمین می‌کردند. در این نامه تأکید شده است: «بیرو نامه شماره ۱۳۰۱۸۶-ت/ ۱۴۰۳.۰۷.۰۸ م موخ ۱۴۰۳/۰۵/۰۸ درباره تنظیم بازار برنج به استحضار می‌رساند تنظیم بازار مطلوب اقلام اساسی در گرو تأمین مکفی و به‌موقع عرضه است. سازمان برنامه و بودجه در این اقدام است؛ بنابراین شایسته است که همه دستگاه‌های ذیربط از جمله بانک مرکزی، وزارتخانه مربوطه، گمرک و دیگر دستگاه‌های اجرایی در راستای تحقق سیاست کلی دولت، هماهنگ و به صورت یکپارچه عمل کنند». در ادامه این نامه به دلایل افزایش قیمت برنج از میزان واردات گرفته‌تا کمبود کانتینر و مشکلات لجستیک (حمل‌ونقل باکشتی) اشاره و تأکید شده است: «محموله‌های برنج که قبل از شروع دوره ممنوعیت واردات (۱۴۰۳/۰۵/۰۱) وارد کشور شده‌اند و اجازه ترخیص در دوره ممنوعیت را دارند، تاکنون به دلیل تغییروتحول دولت و خسارت‌های جدی را به بار آورده و در صورت ادامه، با کمبود برنج در مرز هشدار قرمز، هزینه‌های جبران‌ناپذیری را در پی خواهد داشت.بنابراین اجراتشدن این تصمیم موجب ششده مقادیر درخور توجهی برنج که به علت زمان‌بربودن انجام تخلیه و انجام امور اداری ترخیص که قبل از مورخ ۱۴۰۳/۰۴/۲۳ وارد کشور شده بود، در گمرکات رسوب کند. نبود واردات کافی در چهارماهه اول سال، تقاضای افزایشی برنج در ماه‌های محرم و صفر (خروج معکوس برنج از کشور برای اربعین)، تهدید و کمبود و گرانسی برنج خارجی و اثر مستقیم آن در گران‌تر شدن برنج پرمحصول ایرانی است.



دعوتنامه مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده (نوبت اول) موسسه مالکین آکام شهر(غیر انتفاعی)ثبت شده به شماره ۷ وشناسه ملی ۱۶۹۰۰۱۶۶۰۰۱۰۷۶۰۰۱در اداره ثبت شرکتهای شهرستان نور

بدینوسیله ا زکلیه مالکین محترم عضو موسسه مالکین آکام شهر دعوت بعمل می آید تا در جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده نوبت اول در ساعت۱۴ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۷/۲۵ که در آدرس:ایزدشهر-شهرک آکام شهر-کافی شاپ ساحلی تشکیل می گردد حضور بهم رسانند.

دستور جلسه :

۱-استماع گزارش هیئت مدیره

۲-استماع گزارش بازرس

۳-تصویب ترازنامه و عملکرد مالی منتهی به ۱۴۰۲/۱۲/۲۹

۴-انتخاب بازرس / بازرسین

۵- سایر موارد

برای دریافت اطلاعات تکمیلی به سایت های ذیل مراجعه شود.

آدرس سایت ستادایران :http://setadiran.ir

شماره آگهی : ۱۷۹۰۵۵۷

نوبت اول : ۱۴۰۳/۰۷/۰۲ نوبت دوم : ۱۴۰۳/۰۷/۰۲

http://mogpc.nisoc.ir

نوبت دوم			
آگهی فراخوان مناقصه عمومی دو مرحله ای فشرده			
شماره مناقصه عمومی : ۳۶ / م خ / ۱۴۰۲			
شماره تقاضا : ۰۲۰۰۶۱۴-۴۸ شرح تقاضا : پمپ پلانجری			
شرکت بهره برداری نفت و گاز مارون در نظر دارد کالای مشروحه ذیل را از طریق برگزاری مناقصه عمومی دو مرحله ای تهیه نماید. لذا با توجه به الزام درج مناقصات در سامانه ستاد ایران مناقصه گران میبایست استناد مناقصه را در مهلت تعیین شده از سامانه ستادایران(www.setadiran.ir) دریافت نموده و تا قبل از پایان مهلت ارسال پاسخ،استناد ارزیابی کیفی را طبق مدارک اعلام شده در اسناد مناقصه بارگذاری نمایند.در غیر اینصورت مدارکی که به صورت فیزیکی ارسال شده و در سامانه ستادایران بارگذاری نشده باشند، مورد بررسی قرار نخواهند گرفت و مناقصه گبر از روند مناقصه کسر گذاشته می شود. <ul style="list-style-type: none">در راستای حمایت از تولید داخل کالای مورد نظر میبایست از سازندگان داخلی تأمین گردد مدارک مورد نیاز جهت ارزیابی کیفی(طبق فرم ارزیابی کیفی اسناد مناقصه)۱- آخرین صورت‌های مالی تأیید شده(سال آخر)به همراه اظهارنامه وترانزانه وفتیهای پرداخت مالیابت قیمتی ۲-قرارداد های مرتبط با موضوع مناقصه به همراه حسن انجام کار ۳-لیست پرسنل و تصویر مدارک تحصیلی پرسنل کلیدی به همراه لیست بیمه ۴-مدارک اییزو ۱۴۰۰۱۰۹۰۰ و ۱۸۰۰۱ و ۱۸۰۰۱ معتبر ۱- مبلغ برآورد مناقصه: ۶۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال ۲- نوع و مبلغ تضمین: ضمانتنامه معتبر بانکی به مبلغ ۶۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال ۳- ارائه ضمانتنامه معتبر بانکی درای اعتبار شش ماه ازانی است(سایر ضمانتنامه های دارای اعتبار کمتر از زمان اشاره شده قبل پذیرش نمی باشد. ۴- آخرین مهلت تقاضای شرکت در مناقصه و بارگذاری مدارک ارزیابی کیفی و پاکات فنی، مالی و ضمانت نامه طبق زمان بندی در سامانه ستادایران می باشد. ۵- مناقصه گزینی که اسناد مناقصه را در مهلت تعیین شده در سامانه ی ستادایران (مهلت دریافت اسناد) دنالود ننمایند، قادر به بازنگاری (اسناد ارزیابی کیفی و پاکات الفب و ج) نخواهند بود. <p>آدرسی جهت ارسال ضمانتنامه: اهواز- منطقه برومی- کیلومتر ۱۲ جاده اهواز/ سربرند- نرسیده به پارسا ه - شرکت بهره برداری نفت و گاز مارون - ساختمان دو طبقه (ستادی)- طبقه ی همکف- کمیسیون مناقصات - تلفن: ۰۶۱۳۴۱۸۳۳۴</p> <ul style="list-style-type: none">۶- بارگذاری پاکات ضمانت نامه(الف، ب)و مالی(ج) همزمان با اسناد ارزیابی کیفی می باشد. ۷- تاریخ و محل گشایش پاکات مالی: متغیاً اعلام خواهد شد. ۸- حداکثرزمان تحویل کالا : ۱۸۰ روز پس از ابلاغ سفارش کتبی ۹- ارائه ضمانت حسن انجام تعهدات به میزان ۱۰/۱مبلغ مورد معامله توسط برنده مناقصه قبل از سررسید ضمانتنامه فرآیند ارجاع کار ضروری می باشد. <p>نکته : هزینه درج آگهی و مراتب تجدید در جراید از برنده مناقصه کسر خواهد شد.</p>			
تعداد	واحد	شرح کالا	قلم
۰۲	NO	تأمین پمپ پلانجری دستگاه M.O.S	۱

روابط عمومی شرکت بهره‌برداری نفت و گاز مارون